

گزارشی از سیر تاریخی موسیقی و نگاه‌های مربوط به آن با تکیه بر الذریعه

منصوره بخشی^۱

چکیده

تاریخچه: ورود موسیقی در میان مسلمانان را می‌توان مقارن با راهیابی موالی به سرزمین حجاز و پس از فتوحات دانست.

مسئله: احکام اسلامی مترتب بر موسیقی و برخورد دوگانه حاکمان وقت با این پدیده، سیر موسیقی در ادوار مختلف را متفاوت کرده است.

سؤال: به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی مستقل در زمینه سیر تاریخی موسیقی، از ابتدا تا قرن چهاردهم، صورت نگرفته است. از این رو، با این سؤال مواجهیم که مسلمانان، در حوزه عملی و نظری، چه برخوردی با این پدیده داشته‌اند؟ و موسیقی چه سیری را طی کرده است؟

فرضیه: موسیقی در ابتدا به جهت نهی قرآن و مخالفت پیامبر ﷺ رشد چندانی نداشت؛ ولی پس از فتوحات و راهیابی موالی به سرزمین‌های اسلامی، در میان مسلمانان راه پیدا کرد و بیشتر جنبه عملی داشت. از قرن سوم به بعد، جنبه‌های نظری این پدیده، مورد توجه قرار گرفت و نوشته‌های متعددی در این زمینه به نگارش درآمد.

هدف: این مقاله، به قصد تبیین تأثیر توجه یا عدم توجه مسلمانان بر رشد موسیقی، به گردآوری گزارش‌های مرتبط با موضوع پرداخته است.

روش: نوشتار پیش رو، با استفاده از روش توصیفی به سؤال مقاله پاسخ می‌دهد.
یافته: گزارش‌ها، حاکی از آن است که موسیقی تا قرن سوم بیشتر از جنبه عملی، و از قرن

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین قم: mbakhshi2010@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۱۶

سوم و چهارم به عنوان یک فن، مورد توجه قرار گرفته و مکتوبات متعددی را به خود اختصاص داده است که رونق این نگارش‌ها را می‌توان در قرن سوم و چهارم دانست.

واژه‌های کلیدی

موسیقی، سیر تاریخی، سیر تاریخی موسیقی، نگاشته‌های موسیقی، الذریعه.

مقدمه

آشنایی با زمینه‌های پیدایش و گسترش هر علمی، خدمت درخور توجهی در جهت دریافت سیمای واقعی آن دانش در اختیار بشر قرار می‌دهد و پوینده معرفت را به ژرفای تحولاتی که در بستر زمان عارض آن علم شده، واقف می‌گرداند. پدیده موسیقی نیز از قرون نخست، مورد توجه و مطالعه تاریخی بوده است. به نظر می‌رسد، آشنایی اولیه مسلمانان با موسیقی را باید به پس از فتوحات و ورود موالیان به سرزمین‌های حجاز دانست. (موالی: به معنای برده دارای صاحب، و برده آزاد شده آمده است. ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴۰۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۶۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲۰: ۳۱۱) با این حال، موسیقی در ابتدا به جهت نهی قرآن و مخالفت پیامبر ﷺ رشد چندانی نداشت؛ ولی پس از ظهور سلسله‌های اموی و عباسی و توجه آنان به بزم‌های عیش و طرب، در میان مسلمانان راه پیدا کرد؛ هرچند برخورد دوگانه همین حاکمان، فترت و یا رونق موسیقی در ادوار مختلف را سبب گشته است. بر طبق گزارش‌های رسیده، موسیقی از دو جنبه عملی و نظری مورد توجه بوده که جنبه نظری آن، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

مفهوم‌شناسی

اصل واژه «موسیقی»، یونانی است که در زبان عربی و فارسی نیز استعمال می‌شود. لفظ «موسیقی»، مرکب از دو کلمه «موسی» و «قی» است که «موسی»، نام یکی از ربّ النوع‌های اساطیری یونانی به معنای نغمه و سرود است و «قی»، به معنای موزون، زیبا و دلپسند است. (حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۰۲ (پاورقی)؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴۲: ۸۴-۸۶) اهل لغت، مفهوم آن را با عبارتهای مختلفی بیان کرده‌اند. (آقای اسماعیل پور هفده تعریف درباره موسیقی در کتاب خود جمع‌آوری کرده است. ن.ک: ۱۳۸۹: ۳۲-۳۴) برخی معتقدند، «موسیکا» به معنای فن آوازخوانی، سرودخوانی و شادی کردن است. لفظ یونانی آن، «موسیکا» می‌باشد و در زبان عربی، صاحب این

فن را «موسیقی» می‌گویند. (الخوری اللبنانی، بی‌تا: ۱۲۵۲، «ماده موسق») برخی دیگر می‌گویند: موسیقا، لفظی است که بر فنون نواختن آلات طرب اطلاق می‌شود. (مجمع اللغة العربیة، بی‌تا: ۵۹۴) برخی دیگر نیز موسیقا را برگرفته از لفظ یونانی و به معنای فن خوانندگی و نوازندگی می‌دانند که مردم عوام به آن «موزیکا» می‌گویند و مقصودشان، بعضی از آلات موسیقی است. موسیقی، به کسی گفته می‌شود که با موسیقا ارتباط داشته باشد. (معلوف، بی‌تا: ۷۷۹) ابن‌خلدون نیز موسیقی را به معنای شناختن نسبت‌های آوازها و نغمه‌ها به یکدیگر و سنجش آن‌ها به عدد می‌داند که نتیجه آن، معرفت آهنگ‌های غناست. (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱: ۶۳۰) دهخدا نیز منظور از موسیقی را همان غنا می‌داند که مجموعه‌ای از آهنگ‌هاست. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۶۸۱۹)

ارسطو، موسیقی را یکی از شعب ریاضی محسوب داشته و فلاسفه‌ای مانند بوعلی در *شفا* و خواجه نصیرالدین طوسی در مقدمه *اخلاق ناصری* این قول را پذیرفته‌اند. توضیح اینکه بوعلی سینا کتاب *شفا* را به چهار قسمت کلی تقسیم کرده است: منطق، طبیعیات، ریاضیات و الهیات. سپس، ریاضیات را به چهار فن تقسیم نموده و موسیقی را به عنوان فن سوم در ردیف حساب، هندسه و هیئت قرار داده است و آن را جوامع علم موسیقی نامیده است. (ابن‌سینا، *الشفاء* ریاضیات (جوامع علم الموسیقی))

اما خواجه نصیرالدین طوسی، علم موسیقی را یکی از چهار نوع علم ریاضی دانسته است: هندسه، عدد، نجوم، موسیقی یا تألیف. (طوسی، بی‌تا: ۸) وی از آن‌جا که همه قواعد موسیقی مانند ریاضی مسلم و غیرقابل تغییر نیست، بلکه ذوق و قریحه سازنده و نوازنده هم در آن دخالت تام دارد، آن را «هنر» نیز محسوب می‌کند. (معین، ۱۳۶۰، ج ۴: ۴۴۳۵) «ماده موسیقی»

واژه موسیقی یا موسیقا، در متون دینی به چشم نمی‌خورد؛ ولی به جای آن، واژه‌های: غنا، لهُو، مِلاه‌ی و مِصادیق آلات موسیقی، مانند: دَفّ، مِزمار (نی و فلوت)، معزف (تار)، عود، طبل و طنبور بیان شده‌اند. (برای آشنایی با معنای هر یک از این سازها، ن.ک: ستایشگر، ۱۳۷۴: رمزی، ۱۳۸۹: ۶۸-۷۲)

سیر تاریخ ورود موسیقی در میان مسلمانان

پدیده موسیقی، ارتباط بسیار نزدیک و تنگاتنگی با مسئله شعر و شاعری دارد؛ با این حال، با

وجود گسترش و عمق ادبی و شعری اعراب قبل از اسلام، آنان در زمینه آواز و موسیقی پیشرفت چندانی به دست نیاوردند و همه موسیقی آنان، محدود و منحصر به «حدی» بوده است. (حدی به ضم «ح» بر وزن جدا، سرودی است که شتربانان اعراب برای شتران سرایند تا تیزتر روند؛ معین، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۳۴۴) پیش از ورود دین اسلام، فردی از میان اعراب به نام میمون بن قیس - بن جندل، مشهور به اعشی بن قیس (د. ۶۲۹م) نخستین بار عرب را با غنا و آلات موسیقی آشنا کرد. وی در اثر آشنایی با اشعار دوران جاهلیت و نیز کثرت مسافرت به ممالک حیره، فارس و دیگر مناطق، گوشه‌ای از موسیقی ایرانی عهد انوشیروانی را به سوی اعراب برد و در میان آنان رایج و متداول کرد و نام آلات موسیقی ایرانی همچون: نای، سنج و بربط را در اشعارش به کار برد. (رفیعی، ۱۳۸۷: ۲۶۴) همچنین، نخستین کسی که در عرب، نواختن عود را به الحان فارسیان آموخت و در مکه به مردم یاد داد و آن را منتشر ساخت، نصر بن حارث کلدی بود که در حیره نزد کسری رفت و آنجا عودنوازی و موسیقی ایرانی را آموخت و پس از بازگشت به عربستان، آن را در مکه رواج داد. (فرشاد، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۵۴)

بعد از ورود اسلام و نهی از موسیقی، (اسراء: ۳۶ و ۶۴؛ مؤمنون: ۳؛ قصص: ۵۵؛ حج: ۳۰)، مسلمانان با پیروی از پیامبر ﷺ آن را ترک کرده و حتی از آهنگ‌های ساده زمان جاهلیت دوری جستند. بعد از رحلت پیامبر ﷺ نیز موسیقی نزد مردم مکروه شمرده می‌شد؛ ولی پس از انقراض سلسله مقتدر ساسانی به دست اعراب مسلمان، راهیابی موالی آشنا به فنون و ابزار آلات موسیقی و غنا به شهرهای مکه و مدینه از یکسو، و روی کار آمدن حاکمان اموی و عباسی از دیگر سوی، توجه به موسیقی و غنا را در میان اعراب برانگیخت و ده‌ها خواننده و نوازنده به دارالخلافت‌ها جذب شدند. (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۳۹-۵۴۰؛ جرجی زیدان، ۱۳۳۶، ج ۵: ۴۰-۴۲)؛ هرچند در دوران برخی خلفای اموی و عباسی به سبب مخالفت و منع آنان، فترت کوتاهی در رشد شعر و موسیقی پیدا شد؛ خلفایی همانند: عمر بن عبدالعزیز (حک: ۹۹-۱۰۱) (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۰۶-۳۰۷)، هشام بن عبدالملک (حک: ۱۰۵-۱۲۵) (طبری، ۱۳۸۷، ج ۷: ۲۰۳-۲۰۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۶۲؛ ابن العربی، ۱۹۹۲: ۱۱۶)، سفاح (حک: ۱۳۲-۱۳۶) (خالقی، ۱۳۱۷: ۳۱)، منصور (حک: ۱۳۶-۱۵۸) (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۴: ۲۶۴-۲۶۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۸: ۶۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۳۴۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۴؛ ابن العربی، ۱۹۹۲: ۱۲۳؛ ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۱۵۵-۱۵۶) و قاهر بالله (حک: ۳۲۰-۳۲۲) (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۶: ۳۷۰ (پاورقی ترجمه)).

خلفا و سلاطین بنی‌امیه که اصالت و برتری را از آن نژاد عرب می‌دانستند و غیرعرب را موالی

می‌خواندند، آن‌چنان عاشق و شیفته شعر و موسیقی بودند که مدینه منوره‌ای که زمانی مرکز حکومت مقتدر اسلامی بود، اکنون محل رشد و پرورش گروه مخنث شده بود؛ به گفته ابن‌خلدون، مغنیان ایرانی و رومی از کشورهای خویش پراکنده بودند و گذارشان به حجاز افتاد و در زمره موالی عرب درآمدند و همه آنان با ابزار عود (چنگ) و طنبور و ارغنون و مزمار (نی‌لبک) آوازه‌خوانی می‌کردند و تازیان، آهنگ‌های آنان را شنیدند و مطابق نواهای آن‌ها شعر سرودند و در مدینه، نشیط ایرانی و طویس و سائب خاثر پدید آمدند و اشعار عرب را شنیدند و برای آن‌ها نواها و الحان دلپذیر ساختند و در آن، مهارت یافتند و بلندآوازه شدند. آنگاه معبد و ابن‌سریج و نظایر آن‌ها، این فن را از آنان آموختند و هنر آوازه‌خوانی همچنان به تدریج پیشرفت می‌کرد. (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۳۹-۵۴۰)

اولین فردی که در بین سلاطین و امرا و سلسله بنی‌امیه، غنا را مباح دانست و به ترویج آن اقدام کرد، یزیدبن معاویه بود؛ (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۴؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۹) هرچند برخی ولیدبن یزید را نخستین شخص می‌دانند. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۱۳؛ حنبلی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۱۰) معاویه هم دسته‌ای از اهل موسیقی را به دمشق برد و بدین ترتیب، موسیقی ایرانی از قلمرو حجاز خارج شد و به شهرهای دیگر اسلامی گسترش یافت. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۵)

در دوران سلطه عباسیان که نقطه مقابل امویان بودند واصلت و برتری را از آن‌ها نژاد ایرانی می‌دانستند، روزبه‌روز بر دامنه فعالیت‌های مغنیان و آوازخوانان افزوده شد؛ به طوری که یک‌باره افراد گمنامی چون ابراهیم موصلی (۱۲۵-۱۸۸ق) (پدرش اهل فارس بود و جامع موسیقی ایران و عراق به شمار می‌رفت. وی اصول و قواعد موسیقی را پایه‌گذاری کرد؛ ایرانی، ب، ۱۳۷۳: ۲۷۰-۲۴۱) در دربار هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۷۳)، و پسرش اسحاق موصلی (۱۵۰-۲۳۵ق) (برای اطلاع بیشتر، ن.ک: نعمان، ۲۰۰۶) در نزد مأمون (حک: ۱۷۸-۲۱۰)، ارج و مقام و منزلت خاصی یافتند. (خالقی، الف، ۱۳۱۷: ۳۱-۳۳) و حتی هنگامی که یزید حوراء، خواننده دربار مهدی عباسی (حک: ۱۵۸-۱۶۹)، بیمار و بستری گشت، خلیفه وقت، فردی را به عنوان نماینده مخصوص خود به عیادت وی فرستاد که همه این سخنان و شیوه برخوردها، به‌صراحت نشان‌دهنده مقام و ارزش فوق‌العاده شعر و موسیقی در نزد خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس می‌باشد؛ حتی گفته شده الواثق بالله (حک: ۱۲۷-۱۳۲) در علم موسیقی تصانیف معتبری داشت؛ به طوری که تعجب استادان آن علم را برانگیخته بود. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۱۹-۳۲۰)

برای رواج موسیقی پس از اسلام در سرزمین‌های اسلامی، می‌توان چندین انگیزه برشمرد:

۱. مراسم عبادت دوران جاهلیت، به‌ویژه در حج اعراب جاهلی؛ همچنین، رسم و آیین زندگی جاهلی در سوگ و سور و جنگ و آشتی؛
۲. آیین یهود و مراسم کنشت پیروان موسی و رسوم زندگی عادی آنان؛
۳. مراسم خواندن انجیل و کتاب‌های مقدس دیگر و دیرها و ناقوس مسیحیان؛
۴. مراسم مذهبی هندوها و بودائی‌ها در نوبهارها و بتکده‌ها و آداب قرائت کتاب‌های هندی؛ همچنین، آوردن گوسان‌ها و کولی‌ها و جوکی‌ها در زمان بهرام‌گور و یزدگرد شربار؛
۵. تجوید و قرائت قرآن کریم که ناگزیر با آوازی خوش، دلنشین‌تر شده و به مسلمانی رونق بیشتری داده است؛ همچنین، اذان نماز یا گلبانگ محمدی که در مأذنه و مناره یا گلدسته و جایگاه بلند می‌خوانده‌اند (حسنی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۱)؛
۶. مراسم تعزیت و سوگواری مذهبی که به‌ویژه از زمان صفویان به شکل روضه‌خوانی و شبیه‌خوانی بروز کرده است؛ همچنین، شیوه فضایل‌خوانان سنی و مناقب‌خوانان شیعی و قصه-پردازان قهوه‌خانه‌ها و شمایل‌گردانان و درویشان مدیحه‌خوان و بیابان‌گرد که در روزگار صفوی از آن‌ها برای ترویج مذهب بهره می‌بردند و کار آنان با نوعی موسیقی و غنا همراه بوده است؛ افزون بر این، نقاره‌زنی که در برخی از آستانه‌ها به پیروی از دربارهای پادشاهان اجرا می‌شده است؛
۷. سماع صوفیان که در زاویه‌ها و تکیه‌ها و خانقاه‌ها توأم با رقص و چرخ انجام می‌شده است و عارفان بزرگ، از فواید سماع در کتب خود یاد کرده‌اند؛
۸. میل فطری توده مردم در سورها و سوگ‌ها به شنیدن آهنگ‌ها و آوازها و تصنیف‌ها و ترانه‌های توأم با رقص‌ها؛
۹. توجه دربارهای خلق و پادشاهان و امیران و گرانبمایگان به موسیقی و حمایت و رعایت و برکشیدن مغنیان و خنیاگران و رقاصان که داستان آن‌ها را در دوران خلافت در اغانی اصفهان و مانند آن می‌خوانیم؛
۱۰. گذشته از این امور، انگیزه تحرّی و جست‌وجوی علمی محض که در گروه دانشمندان است. در باره این هنر - هرچند در عمل هم با آن سروکاری نداشته باشند - بیندیشند و در مسائل آن اظهار نظر کنند. (برگرفته از کتب خالقی، ب، ۱۳۳۳: ۳۳۴-۳۳۵؛ اسماعیل پور، ۱۳۸۶: ۹۶-۹۷؛

ای. شیلاوا، ۱۳۹۰: ۳۶-۳۹)

موسیقی در دیار اسلامی، دارای دو جنبه است: یکی علمی؛ به گواهی رساله‌ها و کتاب‌هایی که از یونانی به عربی ترجمه گردیده، از فرهنگ یونانی گرفته شده است. دوم، جنبه عملی؛ که برگرفته از موسیقی ایرانی است. به گواهی موسیقی ساسانی در زمان جاهلیت، در میانه اعراب به طور مستقیم یا از راه حیره وارد شد که نام‌های فارسی افزار موسیقی آن زمان، نشانه آن است. پس از اسلام نیز روشن است که نام بسیاری از مقام‌ها و آهنگ‌ها و افزارها در کتاب‌های عربی، به زبان فارسی است؛ گذشته از این، بیشتر مغنیان و موسیقی‌شناسان، از هنرمندان و دانشمندان ایرانی‌اند.

بنابراین، در موسیقی اسلامی، دو عنصر یونانی و ایرانی، سخت مؤثر بوده است. عنصر عربی موسیقی ابتدایی قبایل عرب در یمن و حجاز را هم نباید فراموش کرد و آن، در پیدایش و رواج این هنر و تدوین این علم، خواه‌ناخواه تأثیر داشته است؛ به‌ویژه آنکه زبان ادب و علم، زبان عربی بوده و ناگزیر ساختمان این زبان و سبک دوران شعر عربی، در موسیقی اسلام اثر گذاشته است. عنصر دیگر در موسیقی اسلامی، موسیقی هندی است که از زمان ساسانی مردم با آن آشنا شده بودند؛ چنان که کتاب‌هایی در موسیقی هندی به فارسی داریم. (ویل دورانت، ۱۳۷۱: ۳۵۶) عنصرهای دیگر موسیقی، ترکی، مغولی و چینی است که در آثار عبدالقادر مراغی نشان آن‌ها را می‌یابیم.

در قرآن کریم چنین اشاره شده است: «وماکان صلاتهم عندالبیت الامکاء و تصدیة.» (انفال: ۳۶) نماز تازیان جاهلی در خانه خدای، صغیر و دست زدن بوده است و تلبیه و تهلیل حج آنان هم، نوعی از غنا به شمار می‌آمده است. حُدی و سرودها و اغنیه‌های جنگی و شعرهای حماسی و پهلوانی و رجز و یا سرود هنگام نبرد نیز داشته‌اند. همچنین، چندگونه چکامه که «نصب»، «سنیاد» و «هزج» می‌نامیدند. شهرهای مدینه، طائف، خیبر، وادی القری، دومة الجندل و یمامه، معدن و مصدر غنا بوده‌اند.

آیین بت‌پرستی بومی عربی که برخی از مظاهر آن درروزگار امویان دوباره زنده شده بود از یک‌سو، و تأثیر فرهنگ ایرانی در زمان جاهلیت و به‌ویژه پس از اسلام از دیگرسو (برای اطلاع بیشتر، ن.ک: رفیعی، ۱۳۸۷)، و آیین یهود و سرود و موسیقی آنان که در مدینه از دیرزمان می‌زیسته‌اند و آیین ترسایان انجیل‌خوان، انگیزه‌هایی بود که عرب‌های مسلمان را دوستار موسیقی

و غنا کرده بود؛ به‌ویژه آنکه سوربایی‌ها و ایرانی‌ها و یونانی‌ها و آفریقایی‌های آزاد و برده به شهر مدینه و مکه آمده بودند و از میان فارسیان و یونانیان سوربایی که در این شهر بیگانه به شمار می‌آمدند، خنیاگران و موسیقیدانانی پیدا شدند که گویا به یونانی یا فارسی هم آوازه‌خوانی می‌کردند و دسته‌جاتی نیز داشتند. رواج بازار آنان، بیشتر در روزگار امویان بوده است که از میان آن‌ها، می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

سائب خاثر (د. ۶۳): اصل او را از موالی و سرمایه‌های انسانی کسری دانسته‌اند که توسط عبدالله بن جعفر بن ابی طالب علیه السلام خریداری شد و به عنوان غلام وی قرار گرفت. وی اولین کسی بود که عود را در مدینه مورد استفاده قرار داد. (اصفهانی، [بی‌تا]، ج ۸: ۳۳۳)

«نشید» (معربش: «نشیط») فارسی (د. ۸۰): که از موالی عبدالله بن جعفر بن ابی طالب علیه السلام بوده است و غنای عربی را نزد سائب خاثر فراگرفته بود. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۷)

اسحق بن عبدالله طویس (د. ۹۲) (ابن کنیر، ۱۴۰۷، ج ۹: ۸۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۶: ۲۵۴ و ۳۹۶): از موالی قبیله مخزوم، و جزء اولین مغنیان آوازخوانی که در دوره خلافت عثمان ظهور کرد. او نخستین کسی بود که سبک آهنگ هزج و رمل را اجرا کرد. (ایرانی، الف، ۱۳۸۶: ۲۱۶) وی، اولین کسی بود که در مدینه مبادرت به غنای عربی کرد. (اصفهانی، [بی‌تا]، ج ۳: ۲۸)

عبید بن سریح (ابویحیی) (د. ۹۸): نواختن عود را از دیوارگران ایرانی که برای ساختن کعبه آمده بودند، فراگرفت و اولین کسی است که در مکه اقدام به نواختن عود کرد. (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۲: ۸۵۴ «پاورقی ترجمه»؛ در متن عربی، ابن شریح آمده است؛ ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۴۰)

معبد بن وهب (د. ۱۲۶): وی از آوازه‌خوانان مشهور مدینه به شمار می‌رفت. غنا و آوازه‌خوانی را نزد سائب خاثر و نشیط فرا گرفت و در موسیقی عربی آوازه‌هایی ساخت که به «مُدنْ معبد» معروف است. (اصفهانی، [بی‌تا]، ج ۱: ۱۱-۱۲ و ج ۳: ۲۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۷)

یونس بن سلیمان بن کردبن شهریار (د. حدود ۱۳۵): مشهور به یونس کاتب، از موالی عمرو بن زبیر، اصلش از فارس بوده و اولین کسی است که کتاب موسیقی *پس از اسلام* را نوشته است. (ابن ندیم، [بی‌تا]: ۱۶۲؛ اصفهانی، [بی‌تا]، ج ۴: ۳۹۰)

مسلم بن محرز به کنیت ابوخطاب (د. حدود ۱۴۰): او موالی بنی عبد الدار بن قصی بود. اصل او از مملکت فارس و پدرش را از خادمان کعبه دانسته‌اند. وی آهنگ‌هایی را تدوین کرد و نخستین مکتب علمی را در علم موسیقی پایه‌گذاری نمود. او در جهت فراگیری آهنگ و موسیقی‌های ایران و روم به فارس و شام و دیگر مناطق مسافرت کرد و در فن موسیقی به رتبه و مقامی نایل

گشت که او را صنّاج العرب (چنگ‌نواز عرب) خواندند. (اصفهانی، [بی‌تا]، ج ۱: ۳۶۳)

موسیقی در تمام دورانی که بحث آن گذشت، صرفاً جنبه عملی داشته و کمتر به جنبه‌های فنی و نظری آن توجه می‌شده است؛ تا اینکه در قرون سوم و چهارم هجری با ظهور شخصیت‌های بنامی چون معلم‌ثانی ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹) و دیگران، موسیقی از دو جنبه و دیدگاه عملی و نظری مورد توجه قرار گرفت. (خالقی، الف، ۱۳۱۷: ۳۶-۳۷)

ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی، دانشمند و فیلسوف بزرگ جهان اسلام که در قرن سوم هجری در بصره متولد شد و معاصر معتصم عباسی بوده است، چندین رساله و کتاب در فنّ موسیقی تألیف کرده است که از آن جمله است: *رساله فی خیر صناعة التالیف، المصوبات الوتریة من ذات الواحد الی ذات العشرة الأوتار، رساله فی اجزاء خیریة فی الموسیقی، رساله الکندی فی اللحن والغنم، المدخل الی صناعة الموسیقی، الموسیقی الکبیر، کتابنا الأعظم فی تالیف اللحن، فی اتحاد الموسیقی والشعر*. کندی، اولین کسی است که کتابی در فنّ موسیقی به زبان عربی تألیف کرد و نام موسیقی را در آثار خود به کار برد. (اسماعیل پور، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی بن رازی (۲۵۱-۳۱۳)، کتاب *فی الجمل الموسیقی* را نوشت. ابوالفرج علی بن الحسین بن محمد بن القریشی الاصفهانی (۲۸۴-۳۵۶) کتاب *با ارزش الاغانی الکبیر* را در مدت ۵۰ سال تألیف کرد که مشتمل بر شرح حال ادبا، شعرا و خاصه موسیقی‌دانان معروف است. قبل از کتاب مذکور، کتاب‌های دیگری به همین نام تألیف شد؛ از جمله: *الاغانی معبد، اختیار من الاغانی للوائق اسحاق بن ابراهیم موصلی* (د. ۲۳۵) (ابن ندیم، بی‌تا: ۱۵۸) و *الاغانی حسن بن موسی نصیبی* (د. ۲۵۰) که آن را بر اساس حروف معجم ترتیب داده است. (بغدادی، ۱۹۵۱، ج ۱: ۲۶۷)

از بزرگ‌ترین متفکران و اندیشمندان قرن سوم و چهارم هجری، یعنی معلم ثانی ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹) نیز کتاب‌های بسیاری در زمینه فنّ موسیقی یاد شده است که از آن جمله می‌توان به این کتب اشاره کرد: *المدخل الی صناعة الموسیقی* (قواعد و فواصل موسیقی)، *کتاب فی الاحصاء الایقاع، کلام له فی النقلة مضافاً الی الایقاع* (اوزان موسیقی)، *کتاب الموسیقی* (سازها، پرده‌ها، رموز فنی و تکنیکی موسیقی)، *احصاء العلوم، الایقاعات، صناعة فی الموسیقی، کلام فی الموسیقی* (به گفته آقای فارمر: دو کتاب اخیر، جزء آثار مفقود شده فارابی می‌باشند) و بالأخره کتاب *موسیقی الکبیر* که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتاب‌های وی در زمینه فنّ موسیقی به شمار می‌رود. برخی معتقدند، وی، اولین فردی است که در دوره اسلامی در فنّ موسیقی کتاب

نوشت. (خالقی، الف، ۱۳۱۷: ۳۷)

ویل دورانت، مورخ معروف امریکایی، می‌نویسد: کتاب موسیقی فارابی، معروف‌ترین تألیفات قرون وسطی در موسیقی نظری است و اگر از همه کتاب‌های موسیقی یونان که به ما رسیده برتر نباشد، کمتر نیست. (ویل دورانت، ۱۳۱۷: ۳۵۶)

در قرن پنجم، بزرگ‌ترین متفکر و اندیشمند قرن، ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸)، بخش‌هایی از کتاب‌های خود را به فن موسیقی اختصاص داد و قسمت‌هایی از کتاب‌های *شفا*، *نجات* و *دانشنامه علایی* در همین زمینه می‌باشد. ابن‌ابی‌اصیبعه هم کتابی به نام *المدخل الی صناعة الموسیقی* به بوعلی نسبت داده است. (اسماعیل پور، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

با گذشت زمان، یعنی سه قرن بعد از ظهور فارابی، آهنگ‌سازی به نام صفی‌الدین ارموی (۶۱۳-۶۹۳) که معاصر معتصم، آخرین خلیفه عباسی بود، پای به عرصه این فن گذارد که منشأ تحول و دگرگونی عظیمی در روند کار موسیقی‌دانان دیگر شد. (برای اطلاع بیشتر، ن.ک: البکری، ۱۹۷۸) از کتاب‌های او می‌توان از: *رساله شرفیه و الادوار فی الموسیقی* نام برد که بعدها دو خاورشناس معروف فرانسوی به نام‌های بارون کارادوو (baron carra devauk) و بارون رولانژه (baron derlanger) در سال ۱۹۳۷، کتاب *شرفیه ارموی* را به ترتیب به طور مختصر و مفصل به زبان فرانسوی ترجمه کردند. گروه زیادی معتقدند که او برای نخستین بار آهنگ موسیقی را با حروف الفبا و عدد نوشته و آن را به صورت «نُت» درآورده است؛ ولی باید سرگذشت نُت و آهنگ‌نویسی را به موصلیان و استادان رساند؛ نه به ارموی. (اسماعیل پور، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۸)

در حدود قرن هشتم و نهم هجری، قطب‌الدین محمودبن‌سعودبن‌مصلح شیرازی (د. ۷۱۰) و عبدالقادر مراغه‌ای (د. ۸۳۸)، به ترتیب کتاب‌های *درة التاج لعزّة الدباج* و *مقاصد اللّاحان* را در فن موسیقی تألیف کردند که امروزه به عنوان دو کتاب اصیل و معتبر در فن موسیقی به شمار می‌روند. کتاب *درة التاج لعزّة الدباج* را همه مورخان و نویسندگان فن فلسفه و کلام، به غیر از حمدالله مستوفی در *تاریخ گزیده* به عنوان *غرة التاج* ضبط کرده‌اند. قطب‌الدین، کتاب مذکور را به درخواست و خواهش اسحق و ندامیر دباج و در زمان فرمانروایی او در سرزمین گیلان به رشته تحریر درآورده است. او کتاب *درة التاج* را شبیه و هماهنگ با سبک و روش شفای ابن‌سینا تنظیم کرده است؛ با این تفاوت که در بخش ریاضیات، تأمل بیشتری کرده است و بحث مفصل و گسترده‌ای را عرضه کرده است. (اسماعیل پور، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

پژوهشگران بعد از صفی‌الدین ارموی، منبع و مرجع عمده تحقیقات خود را کتاب‌های او قرار داده بودند. قطب‌الدین شیرازی در کتاب *درة التاج لعزة الدباج*، محمدبن محمود آملی در کتاب *نفایس الفنون فی عرایس العیون*، مراغه‌ای در کتاب‌های *کنز التحف و مقاصد اللحن*، از آثار صفی‌الدین ارموی استفاده کرده‌اند و حتی محقق و موسیقیدان معروفی چون عبدالقادر مراغه‌ای، کتابی در شرح *الأدوار ارموی* نوشته است که به نظر می‌رسد، این کتاب، آخرین تألیف او (مراغه‌ای) بوده باشد. (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۰)

تقریباً نیم‌قرن پس از مراغی، دو موسیقیدان مطرح شدند: یکی علی‌بن محمد بنایی، شاعر معروف است. وی کتابی به فارسی به نام *رساله‌ای در موسیقی* دارد که بسیار ارزنده می‌باشد و دیگری، مولی فتح‌الله شیروانی است که کتابی به عربی به نام *المجلة* تألیف کرد که از لحاظ مباحث نظری، بسیار غنی است؛ ولی چنان‌که خود گفته، وارد مباحث عملی نشده است. (ایرانی، ب، ۱۳۷۳: ۲۷۹)

موسیقی در قرن نهم و در عهد تیموریان، به اوج خود رسید. آن‌ها شروع کردند به نگارش آهنگ‌ها بر اساس خطی که صفی‌الدین ابداع کرده بود.

در دوره صفویه، جریان تألیف در زمینه موسیقی وجود داشت. یک دسته، کتاب‌هایی است ساده و عامیانه، مثل *بهجة الروح*، و دیگر کتبی نسبتاً عمیق، مانند تألیف محمود حسینی شیرازی و کتاب *خواجه کلان خراسانی* است. اواخر دوران صفویه، کتاب‌های خوبی توسط اهل فن نوشته شد؛ مثل *کوکب خان گرجی* که تا زمان سلطان حسین می‌زیست؛ وی دو رساله *درخور تعمق* نگاشت. (ایرانی، ب، ۱۳۷۳: ۲۷۹-۲۸۰؛ برای اطلاع بیشتر، ن.ک: میثمی، ۱۳۸۹)

در عصر زندیه، موسیقی عملی رواج خوبی یافت و کریمخان موسیقیدانان را ارج می‌نهاد؛ ولی موسیقی ما مانند دیگر شئون فرهنگی و هنری، پس از حمله افغانه و سقوط صفویه و روی کار آمدن قاجاریه، رو به زوال و انحطاط نهاد. (ایرانی، ب، ۱۳۷۳: ۲۸۰)

در دوره قاجار، به‌خصوص زمان فتحعلی‌شاه، موسیقیدانان اهتمام شایانی از خود نشان می‌دادند و مقام‌های باقیمانده تا آن زمان را در دوازده دستگاه جمع کردند که متأسفانه، پنج دستگاه که نواختن آن‌ها سخت‌تر بوده، ترک شد و هفت دستگاه دیگر که نواختن آن آسان‌تر بوده، رواج یافت. (برای اطلاع بیشتر، ن.ک: بلوکباشی، شهیدی، ۱۳۸۱)

موسیقی دستگاهی، از طریق علی اکبرخان فراهانی و دو فرزندش میرزاعبدالله و میرزا حسین‌قلی، سینه‌به‌سینه تا زمان ما منتقل شده است؛ البته شخص دیگری نیز به نام سیداحمد

دستگاه‌دان آن را نقل کرده است. (ایرانی، ب، ۱۳۷۳: ۲۸۰)

در زمانی که میرزا عبدالله و میرزا حسین قلی در حال نشر موسیقی دستگاهی بودند، لومر فرانسوی برای تنظیم و تدوین موسیقی نظامی به ایران دعوت شد. در ابتدا موسیقی نظامی به شکل موسیقی غربی درآمد و کم‌کم موسیقی غربی در ایران رواج یافت و چون برخورد موسیقی‌دانان ایران با موسیقی غرب، از روی خودآگاهی نبود، اختلال و آشفتگی شدیدی در موسیقی ایرانی ایجاد شد که متأسفانه، آثارش تاکنون در موسیقی ایرانی مشهود است. (ایرانی، ب، ۱۳۷۳: ۲۸۰-۲۸۱؛ برای اطلاع بیشتر، ن. ک: امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۷)

نگاشته‌های موسیقی

همان‌گونه که گذشت، دانشمندان مسلمان از قرن سوم هجری شروع به نگارش کتبی در باب موسیقی کردند. اسامی این کتب و نویسندگانشان، در دوره‌های بعد توسط فهرست‌نویسان ثبت و ضبط شد. از مهم‌ترین این کتب که از لحاظ زمانی متأخر از دیگر کتب بوده و به همین سبب، از جامعیت نسبی در برابر کتب قبلی برخوردار است، کتاب *الدربعه* نوشته آقابرگ طهرانی است که با انگیزه دفاع از میراث فرهنگی شیعه به جمع و ضبط عناوین کتبی پرداخت که شیعیان از ابتدا تا قرن چهاردهم در موضوعات مختلف نگاشته بودند و از جمله این آثار، کتبی بود که در آن‌ها به مباحث موسیقی پرداخته شده بود. از این رو، در این قسمت، بیشترین بهره از این کتاب برده شده است. هدف در این قسمت، شناسایی سهم مسلمانان در این زمینه است و اینکه در چه قرن‌هایی این سهم، سیر صعودی یا نزولی داشته است.

نویسندگان کتب موسیقی

ردیف	نویسنده	نام کتاب	مقطع زمانی	قرن	چاپی / خطی	موضوع و سرفصل	ملاحظات
۱	اسحاق بن ابراهیم موصلی	الآغانی الکبیر	د. ۲۳۵	۳			
		الآغانی معبد					
		الآختیار من الآغانی للوائق					
		النغم و الايقاع					

برای متوکل عباسی نوشت			۳	۲۵۰.د	الاعانی	حسن بن موسی نصیبی	۲
					مجردات المغنیین		
از کتاب تمدن اسلامی			۳	۲۵۲.د	النغم	یعقوب بن اسحاق کندی	۳
از کتاب موسیقی در تاریخ وقرآن					رسالة الايقاع		
کندی اولین کسی است که کتابی در فن موسیقی به زبان- عربی تألیف و نام و لفظ- موسیقی را در آثار خود بکاربرد.					المدخل الی صناعة الموسیقی		
					الموسیقی الکبیر		
					رسالة فی خبر صناعة التالیف		
					المصوبات الوتریة من ذات ...		
					رسالة فی اجزاء خبریة...		
					رسالة الکندی فی اللحن و...		
					کتابنا الاعظم فی تالیف ...		
				فی اتحاد الموسیقی والشعر			
شاگرد کندی			۳		موسیقی کبیر	احمد بن طیب	۴
ابن ابی اصبیه			۴	۳۱۳.د	فی جمل	محمد بن	۵

در عیون الانباء از آن یاد کرده است					الموسیقی	زکریای رازی	
	قواعد وفواصل موسیقی		۴	۳۳۹.د	المدخل الی الموسیقی	نصر فارابی	۶
					رسالة فی الموسیقا		
					القیاسات		
	درباره اوزان موسیقی				کلام له فی التقله مضافا...		
	رموزفنی وتکنیکی موسیقی				کتاب الموسیقی		
	فصل ۳ به فن موسیقی پرداخته				احصاء العلوم		
					الایقاعات		
	به گفته آقای فارمر مفقود شده				صناعة فی الموسیقی		
	به گفته آقای فارمر مفقود شده				کلام فی الموسیقی		
	مهم ترین کتاب وی در موسیقی				موسیقی الکبیر		
					کتاب فی الاحصاء الایقاع		
		چاپ درلیدن ۱۸۹۵	۴	۳۸۷.د	مفاتیح العلوم	محمد بن احمد الخوارزمی	۷
	فارسی در موسیقی و	آقازرگ یک نسخه-	۵	۴۰۳.د	بهجة الروح	قابوس بن و شمگیر	۸

	شامل یک مقدمه و ده باب و خاتمه که در خطبه کتاب درود خاص بر امیرالمؤمنین و اولادش: فرستاده است	از آن را در کتب سید حاج- میرزاعلی شهرستانی حائری دیده است				الجرجانی	
	خودآموز موسیقی		۵	۴۲۸.د	دستور موسیقی	ابن سینا	۹
به زبان عربی		خطی/خط ابی سعیدالعلوی			ریاضیات الشفاء		
					نجات		
به زبان فارسی					دانشنامه علائی		
مطالب ناتمام موسیقی در شفا					اللواحق		
ابن ابی اصیبعه به وی نسبت داده		چاپ شده در حیدرآباد			الموسیقی علی سبیل المدخل یا المدخل الی صناعة الموسیقی	ابی المفاجر الارموی	۱۰
به زبان فارسی			۷	۶۹۳.د	رساله در موسیقی		
دونفر فرانسوی آن را ترجمه کرده‌اند					رسالة شرفیه		
به زبان فارسی					ایقاع در موسیقی		
بزرگترین					الادوار فی		

موسیقیدان					الموسیقی		
شاعر فارسی در هند			۸	۷۰۴.د	دستور موسیقی	امیر خسرو دهلوی	۱۱
	در لحن و آوازه‌ها و در حرف موسیقی	چاپی و موجود در کتابخانه سیدشیرازی	۸	۷۰۷.د	مقاله فی الموسیقی	بابا افضل الدین الکاشاری	۱۲
	قطعه در بیان موسیقی	چاپی			موسیقی		
همه مورخین جز حمدالله مستوفی به عنوان غرة التاج ضبط کرده اند.	درفن موسیقی به روش شفای ابن سینا		۸	۷۱۰.د	درة التاج لعزة الدباج	محمود بن مصلح شیرازی (ملاصدرا)	۱۳
در اعیان الشیعه نام کتب بیان نشده			۹	۸۱۳.د	کتب عدیده در علم موسیقی	سلطان احمد بن - شیخ اویس بن - ایلخانی الجلائری	۱۴
دو کتاب مقاصد و جامع الالحان امروزه به عنوان دو کتاب معتبر و اصیل در فن موسیقی - اند.	درفن موسیقی		۹	۸۳۷.د یا ۸۳۸	مقاصد الالحان	عبدالقادر مراغه ای	۱۵
					جامع الالحان		
					کنز الالحان		
					زبدة الانوار		
					ساز چینی		
			۹		دستور موسیقی		
		چاپ شده با ترجمه روسی در تاشکند			رساله در موسیقی	عبدالرحمان جامی	۱۶

<p>آقا بزرگ معتقد است وی صاحب دو رساله در ادوار موسیقی بوده ولی نام آن‌ها را بیان نکرده است ولی در منابع بجز یک رساله چیز دیگری بدست نیامد</p>	<p>به خط نستعلیق مؤلف شامل مقدمه ، دو مقاله و خاتمه . دیباچه آن نمونه بارزی از صنعت «براعت استهلال» است.</p>	<p>این رساله که از معدود آثار در موسیقی ایرانی به زبان فارسی است ، در ۱۳۶۸ ش به چاپ رسیده است .</p>	۱۰	۹۱۸.د یا ۹۲۸	رساله در موسیقی	بنائی هروی	۱۷
<p>دراعیان الشیعه</p>			۱۰	۹۸۴.د	تصنیفی در موسیقی	ابراهیم میرزا صفوی	۱۸
	<p>منظوم به فارسی</p>	<p>نسخه خطی این رساله با مقدمه و تصحیح امیر حسین پور جوادی و به همت انتشارات فرهنگستان هنر در سال ۱۳۸۵ چاپ و منتشر شده است .</p>	۱۰		نسیم طرب	نسیم	۱۹

از شعراء فنی این کتاب در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است		چاپ در ضمن مجموعه شمس المناقب در ۱۳۰۰ تهران	۱۰		رساله در علم موسیقی	عبدالرحمن بن سیف الدین الغزنوی	۲۰
فارسی		چاپ در ضمن مجموعه‌ای از قرن دهم	۱۰		موسیقی منظوم	بی نام	۲۱
رساله فارسی	در موسیقی	خطی/به خط عین علی سال/۱۰۴۶	۱۱		الکرامیه	دوره سفره چی	۲۲
شاگرد شیخ بهایی			۱۱	د. ۱۰۵۳	کتاب الموسیقی	علی بن رحمة الحویزی	۲۳
شاگرد میرداماد		به خط مولف در ۱۰۴۵ ق	۱۱	د. ۱۰۵۹	رساله در موسیقی	نظام الدین احمد الگیلانی	۲۴
موسوعه فارسی در ۱۰۲ رساله از جمله موسیقی					مومیائی		
			۱۱		رساله در موسیقی	درویش علی چنگی الخاقانی	۲۵
فارسی		نسخه خطی	۱۱	د. ۱۰۷۷	رساله موسیقی	بنده زاده عالمگیر	۲۶
فارسی		چاپ شده در بمبی ۱۳۲۴/	۱۱	د. ۱۰۸۴ یا ۱۰۸۷	تذکره مرآة الخیال	شیرعلیخان ابن علی احمد خان اللودی	۲۷
نام کتب وی بیان نشده			۱۱	د. ۱۰۹۵	ماهراً فی الموسیقی و	سیف خان بن تربیت خان	۲۸

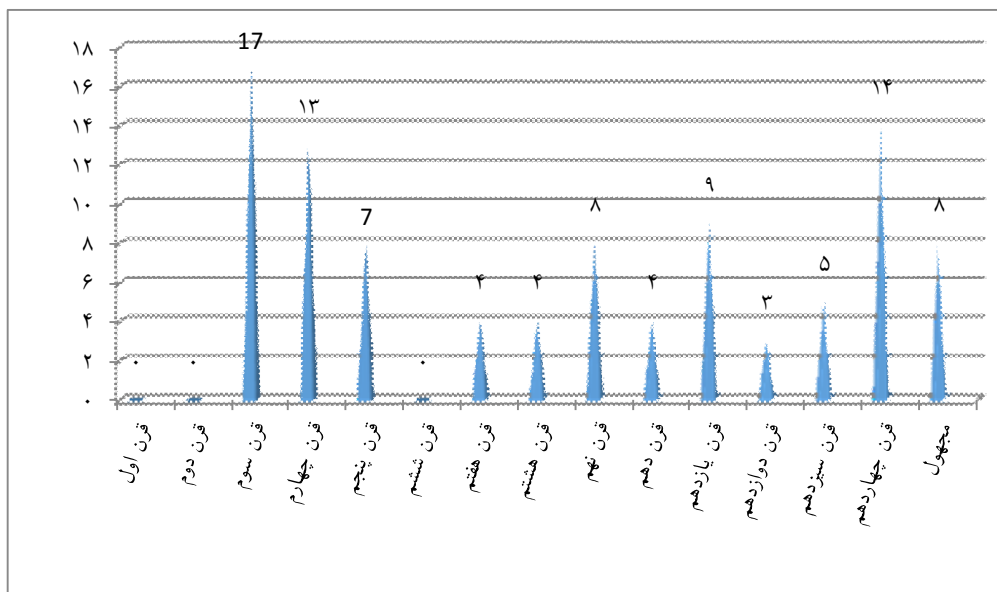
					الف رساله فیها	هندی	
وی از شاعران و نویسندگان پرکار و خوش فکر عهد صفویه است که از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و چندی ملزم شاه جهان (۱۰۶۹-۱۰۳۷ ق) بود.	شعری فارسی در ۵۰۰ بیت در تاریخ موسیقی هندی و فارسی ومفاخرات خیالی بین ادوات موسیقی		۱۱		وجدیه	طغر المشهدی	۲۹
فارسی	در علم موسیقی درباره ده مقام بادائره‌ای در آهنگ‌ها با نام بردن استادان موسیقی	چاپ در ضمن مجموعه آقا محمد اردوبادی ۱۱۰۴	۱۲		رساله در موسیقی	روحانی	۳۰
			۱۲	۱۱۸۱.د	النسب التألیفیه فی الموسیقی	محمدعلی بن ابی طالب الحزین	۳۱
فارسی مطرب البلاط شاه سلطان حسین- صفوی.د.۱۱۳۹			۱۲		رساله در موسیقی	امیرخان الکوکبی الگریجی	۳۲
			زنده در قرن ۱۳		صوت مبارک دستور موسیقی	ابومنصور ناصرال دین محمد واجد علی شاه	۳۳
شاگرد			۱۳	۱۲۳۰.د	رساله فی	میرزا جعفر بیا	۳۴

ذوالریاستین					الموسیقی	ض همدانی	
درسال/۱۲۶۱ تالیف شده است	قسمتی از کتاب به موسیقی یونانی و هندی اختصاص دارد		۱۳		نغمه عندلیب	محمدرضابین ابی القاسم الطباطبایی	۳۵
معاصر فتح علی شاه قاجار.د.۱۲۱۳		چاپ در ۱۳۲۳	۱۳		رساله در موسیقی	علینقی الکنجوی التبریزی	۳۶
خطاط، نقاش و موسیقیدان			۱۴	۱۳۱۵.د	رساله در علم موسیقی	سیفی قزوینی	۳۷
			۱۴	۱۳۱۶.د	الموسیقی	سیدسعیدالدین بن رفیع الدین غریب	۳۸
فارسی	در موسیقی	چاپ شده در سال ۱۳۱۴ ش	۱۴	۱۳۳۹.د	بحور الحان	سید میرزا محمد نصیر الحسینی الشیرازی (فرست)	۳۹
	تاریخ موسیقی	چاپ شده ش ۱۳۲۰	۱۴	۱۳۴۵.د	ساز و آهنگ باستان	حاج میرزا محمد حس ین قریب شمس العلماء الکرگانی	۴۰
ترجمه مهدی فروغ به فارسی و با عنوان چگونه از موسیقی لذت ببریم؟		چاپ در ۱۳۳۴ تهران	۱۴		علم موسیقی	ارون کوپلند امریکی	۴۱
موجود در بانکی پورهند			۱۴		رساله در موسیقی	محمد علی	۴۲
خطاط، نقاش و موسیقیدان			۱۴	۱۳۱۵.د	رساله در علم موسیقی	سیفی قزوینی	۴۳
موسیقیدان و		چاپ	۱۴	۱۳۵۸.د	در علم	علی نقی خان	۴۴

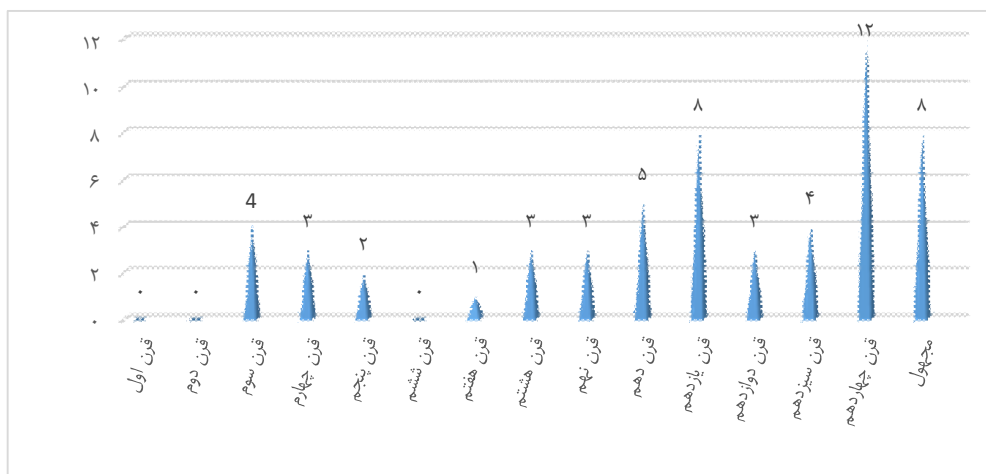
پایه‌گذار موسیقی جدید ایران		در تهران / ۱۳۰۴ش		موسیقی وصنعت	وزیری	
معاصر آقابزرگ طهرانی		چاپ در تهران	۱۴	کشف العتارفی مفاسد الخمروالموسیه قی والتریاک	شیخ ذبیح الله بن محمدعلی المحلمانی الخطیب	۴۵
		چاپ در ایران قبل ازسال ۱۳۲۱	۱۴	موسیقی نظری	بی نام	۴۶
			۱۴	موسیقی واسلام	حسین عبداللهی(همت)	۴۷
			۱۴	تأثیر موسیقی بر اعصاب		
			۱۴	موسیقی	مجید اوحدی	۴۸
	در موسیقی	چاپی		مجمع الادوار	عبدالمؤمن	۴۹
موجود در کتابخانه دانشگاه تهران	رساله در فرق‌های موسیقی طبی(رساله فی الفحم)			رسائل الخنجدی	فخرالدین محمدبن محمدبن ابی نصر	۵۰
موجود در کتابخانه دانشگاه تهران		خطی		رساله موسیقی	خواجه کلان الخراسانی	۵۱
				رساله فی الموسیقاً والنسبه بین موسیقی وعلم الطب	میرزانشیر الفارسی الطیب	۵۲
نام کتب وی بیان نشده				ماهراً فی الموسیقی و له	صبوری	۵۳

					فیهَا عِدَّة رِسَائِل		
	ترجمه اخوان الصفحا كه در آن به موسیقی نیز پرداخته شده				جمل الحكمة	احمد بن اسمعیل معروف بابن نارچی	۵۴
رساله فارسی		چاپ در بنولکشور لكهنو			علم موسیقی	محمد عثمان خان (المولوی قیس)	۵۵
					منفعة الطالبین	بی نام	۵۶

سیر کتب موسیقی



سیر نویسندگان موسیقی



نتیجه

ورود موسیقی به جهان اسلام را باید مقارن با راهیابی موالی به سرزمین‌های اسلامی و روی کار آمدن حاکمان اموی و عباسی به جهت توجه آنان به برگزاری مجالس عیش و نوش دانست. استقبال حاکمان از موسیقی‌دانان و خوانندگان مهاجر، سبب رونق این فن در جهت عملی گشت؛ ولی توجه نویسندگان به جنبه نظری موسیقی، به اواسط قرن سوم هجری با ظهور دانشمندان بزرگ شیعه همچون کندی (د. ۲۵۲) و شاگردش، طیب می‌رسد. پس از آن، می‌توان مهم‌ترین نگاشته‌ها را در آثار فارابی (د. ۳۳۹) و ابن‌سینا (د. ۴۲۸) و اوج آن را در نوشته‌های بزرگ‌ترین موسیقی‌دان قرن هفتم، ارموی (د. ۶۹۳) و سپس، مراغه‌ای (د. ۸۳۸) و جامی (د. ۹۰۰) دانست؛ هرچند بیشترین نوشته‌ها در این زمینه، به قرن سوم و چهارم، یعنی دوران شکوفایی علوم عالمان شیعه با روی کار آمدن آل بویه شیعی، برمی‌گردد.

منابع

- آقا بزرگ طهرانی، محسن (۱۴۰۳). الذریعة، بیروت: دار الأضواء.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۳۸۵). الكامل، بیروت: دار صادر، ج ۵ و ۶.
- ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۳۶۰). الفخری فی الآداب السلطانية والدول الاسلامیة، محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن العربی، غریغوریوس المظلی (۱۳۷۷). تاریخ مختصر الدول، عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲). المنتظم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۷.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸). تاریخ ابن خلدون، خلیل شحادة، بیروت: دار الفکر، ج ۱.
- ، ترجمه مقدمه، محمد پروین گنابادی (۱۳۷۵). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲.
- ابن سعد، محمد (۱۳۷۴). الطبقات الکبری، محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ج ۵.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷). البداية والنهاية، بیروت: دار الفکر، ج ۹.
- ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶). تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: توس، ج ۶.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة، ج ۱۵.
- ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب (بی تا). الفهرست، رضا تجدد، بی تا.
- اسماعیل پور، علی (۱۳۸۹). موسیقی در تاریخ و قرآن، تهران: انتشارات ناس.
- اصفهانى، ابوالفرج (بی تا). الاغانى، سمیر جابر، بیروت: دار الفکر، ج ۱، ۳، ۴ و ۸.
- امان اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۷). خنیاگری موسیقی در ایران از هخامنشیان تا سقوط یهلوی، تهران: انتشارات آردن.
- ایرانی، اکبر (۱۳۸۶). حال دوران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۳۷۳). دیدگاه پنجم، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- البکری، عادل (۱۹۷۸). صفی الدین ارموی مجدد الموسیق العباسیة، عراق: وزارة الثقافة

والفنون.

- بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۹۵۱). هدیه العارفین، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷). انساب الاشراف، سهیل زکّار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ج ۲ و ۴.
- بلوکباشی، شهیدی (۱۳۸۱). پژوهشی در موسیقی و سازهای موسیقی نظامی دوره قاجار، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جرجی زیدان (۱۳۳۶). تاریخ تمدن اسلام، علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، ج ۵.
- حاجی خلیفه (بی تا)، کشف الظنون، محمدرشرف الدین یالتقایا، رفعت بیلگه الکیسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲.
- حسنی، سعدی (۱۳۶۳). تاریخ موسیقی، تهران: صفی علیشاه.
- حنبلی، ابن‌العماد شهاب الدین ابوالفلاح (۱۴۰۶). شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، الارناؤوط، دمشق - بیروت: دار ابن‌کثیر، ج ۲.
- خالقی، روح‌الله (۱۳۱۷). نظری به موسیقی، تهران: چاپخانه آفتاب.
- _____ (۱۳۳۳). سرگذشت موسیقی ایران (بخش اول)، بی‌نا.
- الخوری اللبثانی، سعید (بی تا). اقرب الموارد، بیروت: مکتبه لبنان.
- دورانت، ویل (۱۳۷۱). تاریخ تمدن عصر ایمان، ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱۱ و ۴۲.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، ج ۶.
- رفیعی، حسن‌رضا (۱۳۸۷). برگ‌هایی از داستان موسیقی ایرانی در باره موسیقی ایرانی و تأثیر آن بر موسیقی جهان، تهران: سوره مهر.
- رمزی، سعید (۱۳۸۹). راز موسیقی، مشهد: نشر یوسف فاطمه (س).
- زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴). تاج العروس، بیروت: دار الفکر، ج ۲۰.
- ستایشگر، مهدی (۱۳۷۴). واژه‌نامه موسیقی ایران زمین، تهران: انتشارات اطلاعات.
- شیلوا، ای (۱۳۹۰). موسیقی در جهان اسلام، مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: بصیرت.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الطبری، محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت:

دار التراث، ج ۷ و ۸.

طریحی، شیخ فخرالدین (۱۳۶۷). مجمع البحرين، احمدالحسینی، مکتب النشر الثقافة الاسلامیة، ج ۱.

طوسی (بی تا). اخلاق ناصری، تهران: انتشارات کتابفروشی علمیة اسلامیة.

فرشاد، مهدی (۱۳۶۶). تاریخ علم در ایران، تهران: امیرکبیر، ج ۱.

مجمع اللغة العربیة (بی تا). المعجم الوجیز، مصر: مکتبة الشروق.

مستوفی، محمدبن ابی بکر (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹). مروج الذهب و معادن الجوهر، اسعد داغر،

قم: دار الهجرة، ج ۳.

معلوف، لویس (بی تا). المنجد فی اللغة، بیروت: دار المشرق.

معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ج ۱ و ۴.

میثمی، سیدحسین (۱۳۸۹). موسیقی عصر صفویه، تهران: فرهنگستان هنر.

نعمان، خلف رشید (۲۰۰۶). اسحاق بن ابراهیم الموصلی عالم الموسیقی و الغناء فی

العصر العباسی، بیروت: دارالعربیة للموسوعات.

یعقوبی، احمدبن اسحاق (بی تا). تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، ج ۲.